

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۸، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۴، صفحات ۱۹-۳۸

عوامل مؤثر بر انگیزش مشارکت شهروندان در طرح‌های کشاورزی اجتماع پشתיبان: مطالعه موردی شهرستان گرگان

زهره طبرسا، حسین شعبانعلی فمی، خلیل کلانتری، و مائده هاتفی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۶/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱/۲۵

چکیده

کشاورزی اجتماع پشתיبان یکی از رویکردهای توسعه نظام‌های بهره‌برداری نزدیک مناطق شهری است که در آن، از ظرفیت مالی و انسانی و علاقه آنها برای توسعه و مشارکت در فعالیت‌های نظام‌های بهره‌برداری خانوادگی استفاده می‌شود. بر این اساس و با توجه به جایگاه شهروندان به عنوان یکی از ارکان اصلی این رویکرد، تحقیق توصیفی-همبستگی حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر انگیزه شهروندان شهرستان گرگان نسبت به مشارکت در کشاورزی اجتماع پشתיبان انجام شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آماره‌های توصیفی و استنباطی نظیر میانگین، انحراف معیار، ضریب تغییرات، تحلیل همبستگی و تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج تحلیل همبستگی مربوط به شهروندان حاکی از آن است که سابقه سکونت در روستا، استفاده از منابع اطلاعاتی، زمینه‌های مورد علاقه شهروندان برای مشارکت در کشاورزی اجتماع پشתיبان، سرمایه اجتماعی، و میزان علاقه به

* به ترتیب، کارشناس ارشد توسعه روستایی، دانشگاه تهران؛ نویسنده مسئول و دانشیار گروه مدیریت و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران (hfami2001@yahoo.com)؛ استاد گروه مدیریت و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران؛ و دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشگاه تهران.

کشاورزی با میزان انگیزه شهروندان برای مشارکت در کشاورزی اجتماع‌پشتیبان رابطه مثبت و معنی‌دار با ۹۹ درصد اطمینان دارند؛ همچنین، نتایج تحلیل مسیر نشان داد که تأثیرگذارترین متغیر بر میزان انگیزه شهروندان برای مشارکت در کشاورزی اجتماع‌پشتیبان میزان سرمایه اجتماعی است. **کلیدواژه‌ها:** انگیزش، مشارکت، شهروندان، کشاورزی اجتماع‌پشتیبان، گرگان (شهرستان).

مقدمه

کشاورزی اجتماع‌پشتیبان^(۱) عبارت است از همکاری مبتنی بر تعهدات دوجانبه بین یک واحد تولیدی یا مزرعه و یک اجتماع یا گروهی از حمایت‌کنندگان که بر اساس آن، پیوندی مستقیم بین بخش‌های تولید و مصرف مواد غذایی ایجاد می‌شود (UMass, 2002). به گفته براون و مایلز (Brown and Miles, 2005)، این رویکرد کشاورزان را قادر می‌سازد تا در موقعیتی به فعالیت پردازند که در آن، تأکید بیشتری بر شاخص‌های انسانی وجود دارد و این نظام تولیدی به بهبود کیفیت زندگی کشاورزان خرده‌پا و متوسط، از یک سو، و کیفیت زندگی شهروندان، از سوی دیگر، کمک شایان می‌کند.

با توجه به اهمیت این موضوع پژوهشی، مطالعات گوناگون در این زمینه انجام شده که در پی، به برخی از مرتبط‌ترین این مطالعات اشاره شده است.

کولودینسکی و پلچ (Kolodinsky and Pelch, 1997) بیان کردند که شبکه‌های اجتماعی غیررسمی و شفاهی مهم‌ترین ابزار برای اطلاع‌رسانی در مورد طرح‌های کشاورزی اجتماع‌پشتیبان و تأثیرگذارترین عامل انگیزشی برای پیوستن افراد بدین طرح‌هاست.

کُن و کاکالیوراس (Cone and Kakaliouras, 1995)، فارنزورث و همکاران (Farnsworth et al., 1996) و کُن و مایر (Cone and Myhre, 2000)، در تحقیقات خود نشان دادند که کشاورزان خرده‌پا برای حمایت از رژیم‌های غذایی محلی و همچنین، برای به‌دست آوردن غذاهای تازه و محصولات ارگانیک به کشاورزی اجتماع‌پشتیبان روی آورده‌اند.

کولی و لاس (Cooley and Lass, 1997) مهم‌ترین انگیزه‌های مصرف‌کنندگان برای پیوستن به کشاورزی اجتماع‌پشتیبان را کیفیت تولید، حمایت از کشاورزی منطقه و نگرانی‌های آنها در مورد محیط زیست و امنیت غذایی می‌دانند.

کین و لوهر (Kane and Lohr, 1997)، در تحقیق خود، از اعضا خواستند تا انگیزه مشارکت خود را در طرح‌های کشاورزی اجتماع‌پشتیبان بیان کنند؛ بر این اساس، به‌دست آوردن محصولات ارگانیک، غذای تازه، تولید فرآورده‌های محلی و حمایت از مزارع منطقه (محلی)، به‌ترتیب، چهار اولویت نخست اعضا شناخته شدند.

کولی و لاس (Cooley and Lass, 1998)، در تحقیقات متعدد، نشان می‌دهند که مهم‌ترین انگیزه‌ها برای مشارکت در طرح‌های کشاورزی اجتماع‌پشتیبان عبارت‌اند از نگرانی‌های زیست‌محیطی و تلاش برای حمایت از نظام‌های تولید محلی.

اوهارا و استاگل (O'Hara and Stagl, 2001)، در تحقیقی که در آمریکا انجام دادند، از اعضا خواستند که دلایل خود برای عضویت در کشاورزی اجتماع‌پشتیبان را اولویت‌بندی کنند؛ بر این اساس، به‌دست آوردن سبزی‌های تازه، به‌دست آوردن سبزی‌هایی که به‌صورت ارگانیک پرورش یافته است، حمایت از کشاورزی محلی، نگرانی زیست‌محیطی، کاهش هزینه‌های مواد بسته‌بندی، اطلاع داشتن در مورد اینکه مواد غذایی از کجا تهیه می‌شوند، و انجام اقداماتی در راستای سلامت فردی هفت اولویت نخست اعضا انتخاب شده بود؛ همچنین، انگیزه‌هایی از قبیل تقسیم مخاطره با کشاورزان و حس قوی مشارکت اهمیت کمتری در این نظرسنجی داشتند. جالب‌تر اینکه در مقایسه نظر افراد عضو کشاورزی اجتماع‌پشتیبان با افراد غیرعضو، اعضا دارای نگرانی بیشتری در مورد مصرف حشره‌کش‌ها در تولید محصولات، توجه به سلیقه شخصی در هنگام خرید غذا و دارای رفتار اقتصادی‌تر در هنگام خرید بودند؛ همچنین، به گفته آنها، کنترل جمعی بر فعالیت‌های کشاورزی اجتماع‌پشتیبان توسط خانوارهای عضو راهی برای ترغیب خانوارها به عضویت در

کشاورزی اجتماع‌پشتیبان است، که البته این روش راهی سخت و نظام‌مند به‌شمار می‌رود و به‌ندرت در پیش گرفته می‌شود.

استاگل (Stagl, 2002)، در تحقیقی که در نیویورک روی انگیزه‌های اعضای طرح‌های کشاورزی اجتماع‌پشتیبان برای پیوستن بدین طرح‌ها انجام داد، مشخص کرد که تمایل برای به‌دست آوردن سبزی‌های تازه و ارگانیک و حمایت از کشاورزان محلی انگیزه‌های اصلی برای پیوستن بدین طرح‌ها بوده است؛ و بسیاری از افراد شاید بدین دلیل به طرح‌های کشاورزی اجتماع‌پشتیبان می‌پیوندند که اعتقاد دارند در قالب این طرح‌ها، در تولید محصولات خود از آفت‌کش‌ها و مواد شیمیایی استفاده نمی‌کنند.

کانر (Conner, 2003)، در تحقیقی که در نیویورک انجام داده بود، بدین نتیجه رسید که سه اولویت بالای اعضا برای مشارکت در طرح‌های کشاورزی اجتماع‌پشتیبان، به‌ترتیب، عبارت‌اند از محصولات تازه، محصولات پرورش‌یافته به‌صورت محلی، و محصولات ارگانیک. پرز و همکاران (Perez et al., 2003)، در تحقیق خود، از اعضا خواستند تا دلایل مشارکت خود در طرح‌های کشاورزی اجتماع‌پشتیبان را بیان کنند؛ بر این اساس، خریداری محصولات ارگانیک، خریداری و حمایت از محصولات محلی، و خریداری محصولات تازه، به‌ترتیب، سه اولویت نخست اعضا شناخته شدند.

در تحقیق اُبرهولتز (Oberholtzer, 2004)، با جامعه آماری سیزده کشاورز عضو طرح کشاورزی اجتماع‌پشتیبان و ۲۷۶ سهامدار فعال در چهار مزرعه، از سهامداران خواسته شد تا دلایل مشارکت خود در طرح‌های کشاورزی اجتماع‌پشتیبان را بیان کنند که بر این اساس، علاقه به محصولات تازه، علاقه به تولیدات محلی، حمایت از کشاورزی و کشاورزان محلی، علاقه به محصولات ارگانیک، نگرانی‌های زیست‌محیطی، نگرانی‌هایی در ارتباط با نگهداری صحیح از مزارع، آگاهی یافتن از اینکه محصولات مصرفی آنها توسط چه کسانی و در کجا تهیه می‌شوند، سلامت فردی و رژیم غذایی، وجود حس مشارکت جمعی،

دستیابی به محصولات جدید، رفاه و آسایش، دسترسی به محصولات با قیمت پایین‌تر، و فرصت انجام فعالیت‌های زراعی در مزرعه، به‌ترتیب، از جمله اولویت‌های مشارکت سهامداران برشمرده شدند؛ همچنین، دلایل عدم مشارکت سهامداران در فعالیت‌های زراعی، به‌ترتیب، بدین شرح بیان شد: نداشتن وقت کافی (مشغله فراوان)، عدم علاقه به فعالیت در مزرعه و علاقه به انجام فعالیت‌های دیگر (از قبیل بازدید از مزرعه و شرکت در جشنواره‌ها)، محدودیت مشارکت فرزندان، زیاد بودن فاصله مزارع از منازل، وقت‌گیر بودن کار در مزارع تا بازدید کردن، علاقه نداشتن، عدم آگاهی از مزایا و فواید این طرح، نداشتن شرایط جسمانی مناسب، داشتن یک مزرعه یا باغ کوچک که نیازی به کسب تجربه در مزارع اجتماعی‌پشتیبان احساس نمی‌کنند، مشکل حمل و نقل، و گرمای زیاد.

لانگ (Lang, 2005)، در تحقیق خود، بیان کرد که طرح‌های کشاورزی اجتماعی‌پشتیبان برای اعضای خود محصولاتی تازه، متنوع، با کیفیت بالا و ارگانیک تدارک می‌بینند؛ همچنین، بر اساس نتایج مطالعات روی انگیزه‌های پیوستن به طرح‌های کشاورزی اجتماعی‌پشتیبان، تمایل برای خریدن چنین محصولاتی یکی از دلایل اصلی عضویت شناخته شده است. تامسون و کسکونر-بالی (Thompson and Coskuner-Balli, 2007)، در تحقیق خود، بدین نتیجه رسیدند که کشاورزی اجتماعی‌پشتیبان با تولید محصولات ارگانیک و عرضه آنها از طریق مجراهای محلی (مثل بازارهای کشاورزان یا شرکت‌های غذایی) در امنیت اقتصادی جوامع نقش حیاتی ایفا می‌کند.

هندرسون و ونان (Henderson and Van En, 2007)، در تحقیقات خود، بدین نتیجه رسیدند که افزایش تأمین امنیت غذایی از طریق کشاورزی اجتماعی‌پشتیبان موجب روی آوردن اکثر خانواده‌های آمریکایی بدین طرح‌ها شده است؛ همچنین، طرح‌های کشاورزی اجتماعی‌پشتیبان به مشارکت کشاورزان محلی و مصرف‌کنندگان می‌انجامد و در واقع، در این نوع مشارکت، مصرف‌کنندگان هزینه‌های کشاورزی را در اول فصل زراعی به کشاورزان

می‌پردازند و در ازای آن، کشاورزان عضو تازه‌ترین و سالم‌ترین محصولات را برای آنها تولید می‌کنند و بدین ترتیب، پول، شغل و مزرعه در این جوامع حفظ می‌شوند. همچنین، به گفته این پژوهشگران، طرح‌های کشاورزی اجتماع‌پشتیبان نه تنها در قالب یک مدل اقتصادی قابل دسترس است، بلکه یک انتخاب درست برای دوستداران مواد غذایی سالم و کشاورزان به‌شمار می‌رود.

بر اساس نتایج مطالعه برهم و آیزنهاور (Brehm and Eisenhauer, 2008)، افراد دارای رضایت اجتماعی بالاتر انگیزه بیشتری برای مشارکت در این روش کشاورزی داشته و برای بهبود جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، از انگیزه بالاتری برخوردار بوده‌اند.

بر اساس نتایج مطالعات پیشین، عدم دسترسی مصرف‌کنندگان شهری به تولیدات باکیفیت و با قیمت مناسب، دور شدن جامعه شهری از محیط روستایی که موجب بالا رفتن فشار روحی و مشکلات روانی در بین افراد شهری می‌شود، عدم کنترل مصرف‌کنندگان بر نحوه تولید مواد غذایی و سلامت آن و عدم دسترسی مستقیم به تولیدات کشاورزان که موجب بالا رفتن هزینه‌ها برای خرید مواد غذایی می‌شود، می‌تواند با استفاده از این رهیافت مرتفع شود. همچنین، با توجه به مباحث پیش‌گفته و نتایج تحقیق حاضر، عوامل زیادی بر انگیزه شهروندان برای مشارکت در طرح‌های کشاورزی اجتماع‌پشتیبان وجود دارد، که از جمله می‌توان به میزان علاقه شهروندان به کشاورزی، میزان تحصیلات شهروندان، سابقه کار کشاورزی شهروندان، درآمد شهروندان، تمایل به جلب سرمایه‌گذاری شهروندان، سن شهروندان و فاصله مزرعه آنها تا شهر اشاره کرد.

مقاله حاضر بر آن است که به شناخت انگیزه افراد مورد مطالعه برای مشارکت در کشاورزی اجتماع‌پشتیبان، شناخت عوامل مؤثر بر انگیزه شهروندان مورد مطالعه برای مشارکت در کشاورزی اجتماع‌پشتیبان و شناخت مشکلات اجرایی این شیوه کشاورزی بپردازد.

روش تحقیق

در پژوهش حاضر، متغیرهای مستقل بر اساس نتایج مطالعات هاینریش (Hinrichs, 2000) و کلودینسکی و پلچ (Kolodinsky and Pelch, 1997) شامل جنسیت، سن، وضعیت تأهل، میزان سواد، سابقه سکونت در روستا، سابقه کار کشاورزی، میزان استفاده از مجراهای ارتباطی و ... و متغیر وابسته بر اساس نتایج مطالعات برهم و آیزنهاور (Brehm and Eisenhauer, 2008) و براون و میلر (Brown.C and Miller, 2008) میزان انگیزه شهروندان برای مشارکت در طرح‌های کشاورزی اجتماع‌پشتیبان بوده است.

تحقیق حاضر از نوع توصیفی-همبستگی و جامعه آماری آن شامل ۷۵۴۹۶ خانوار شهری ساکن در شهرستان گرگان بوده است. روش نمونه‌گیری از نوع طبقه‌ای با انتساب متناسب بود که بر اساس فرمول کوکران، حجم نمونه ۱۲۱ خانوار شهری ساکن در مناطق شهری شهرستان گرگان را در سال ۱۳۸۸ در برمی‌گرفت که سرانجام، به منظور اطمینان بیشتر نسبت به یافته‌های تحقیق و افزایش توان تعمیم‌پذیری آن، با افزایش حجم نمونه به ۱۵۰ خانوار، همین تعداد پرسشنامه از جامعه آماری مورد نظر تکمیل و اطلاعات مورد نیاز از آنها جمع‌آوری شد.

برای تعیین انحراف معیار متغیر اصلی تحقیق (یعنی، انگیزه مشارکت) و همچنین، برای تعیین دقت احتمالی مطلوب، تعداد ۳۰ نمونه از جامعه آماری تحقیق به‌طور تصادفی انتخاب و پیش‌آزمون مطالعه انجام شد. انحراف معیار به‌دست آمده از این پیش‌آزمون معادل ۱۰/۱۱ بود و دقت احتمالی مطلوب از طریق رابطه زیر محاسبه شد که در واقع، معیاری برای دقت تعمیم‌پذیری یافته‌هاست:

$$d = t \frac{s}{\sqrt{n}} = \frac{1.96 \times 10.11}{\sqrt{30}} = 3.61$$

در تحقیق حاضر، برای گردآوری داده‌های مورد نیاز، از پرسشنامه‌های تهیه‌شده در اختیار اساتید راهنما و مشاور و تعدادی دیگر از اساتید و دانشجویان تحصیلات تکمیلی گروه مدیریت

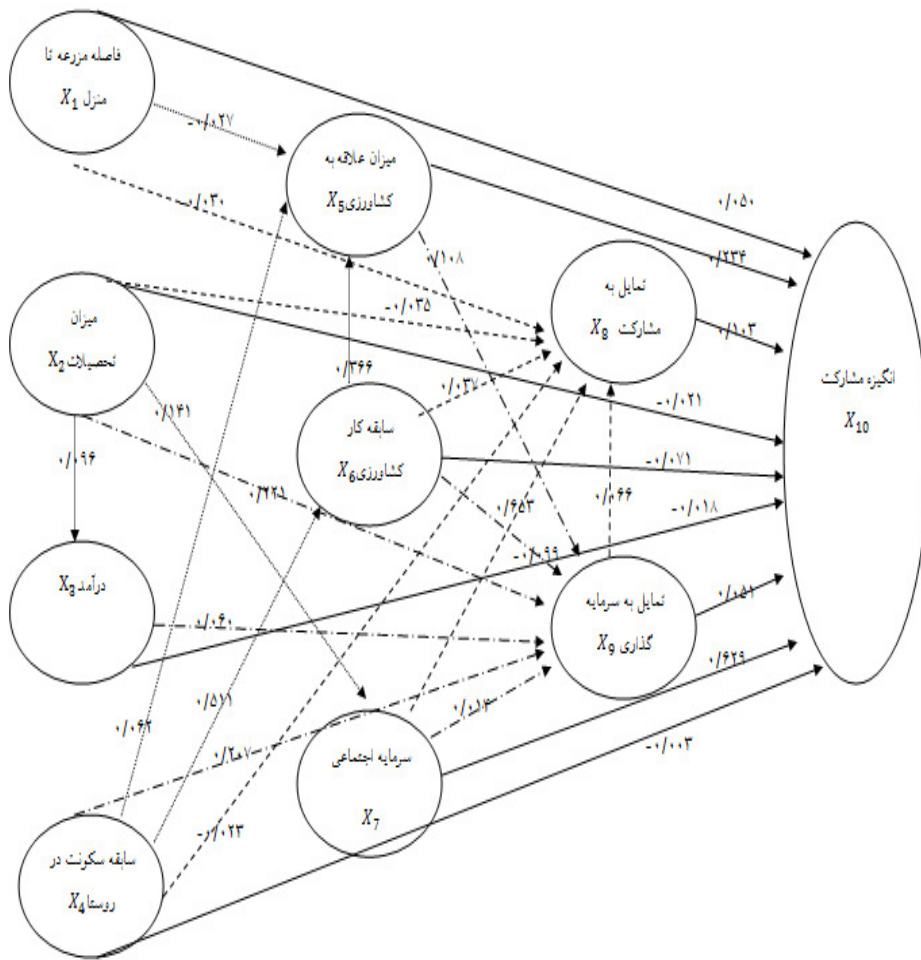
و توسعه کشاورزی و گروه ترویج و آموزش کشاورزی قرار گرفت و روایی آن تأیید شد؛ برای سنجش پایایی ابزار اندازه‌گیری نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شد (جدول ۱).

جدول ۱- مقادیر آلفای کرونباخ برای تعیین پایایی مقیاس‌ها و بخش‌های مختلف پرسشنامه مربوط به شهروندان

مقیاس‌ها	تعداد متغیر	مقدار ضریب آلفای کرونباخ
زمینه‌های تمایل شهروندان به مشارکت در کشاورزی اجتماع‌پشتیان	۱۰	۰/۹۲۱۱
انگیزه‌های شهروندان برای مشارکت در کشاورزی اجتماع‌پشتیان	۱۴	۰/۸۹۲۵
الزامات مشارکت در کشاورزی اجتماع‌پشتیان از دیدگاه شهروندان	۱۸	۰/۹۳۶۶
سرمایه اجتماعی از دیدگاه شهروندان	۲۰	۰/۸۹۸۴

منبع: یافته‌های پژوهش

در تحقیق حاضر، تحلیل داده‌ها در دو بخش توصیفی و استنباطی صورت گرفت. در بخش توصیفی، از فراوانی، درصد، میانگین، واریانس، انحراف معیار، فراوانی تجمعی، و ضریب تغییرات و در بخش استنباطی نیز از تحلیل همبستگی و تحلیل مسیر استفاده شد. هدف تحلیل مسیر، در واقع، آزمون مدل تحلیلی تحقیق است که این مدل خود نیز برآیند چارچوب نظری پژوهش است. شیوه تحلیل مسیر بر پایه مجموعه‌ای از تحلیل رگرسیون چندگانه و بر اساس فرض ارتباط بین متغیرهای مستقل و وابسته استوار است. این روش بر استفاده ابتکاری از نمودار تصویری که به دیاگرام مسیر معروف است، تأکید خاص دارد (کلانتری، ۱۳۸۵). از این‌رو، برای درک بهتر عوامل مؤثر بر انگیزه شهروندان برای مشارکت در کشاورزی اجتماع‌پشتیان، از تحلیل مسیر با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS استفاده شد، که نتایج آن در قالب نمودار ۱ ارائه شده است.



نمودار ۱- مدل تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر میزان انگیزه شهروندان برای مشارکت در کشاورزی اجتماع‌پشتیبان

نتایج و بحث

ویژگی‌های فردی، اجتماعی و حرفه‌ای شهروندان مورد مطالعه

بر اساس اطلاعات به دست آمده، ۸۹/۳ درصد از افراد مورد مطالعه مرد و بقیه (۱۰/۷ درصد) زن بودند؛ میانگین سنی آنها چهل سال و ۹۶/۷ درصد متأهل و ۳/۳ درصد مجرد بودند؛ در بین شهروندان مورد مطالعه، ۰/۷ درصد بی‌سواد، ۱/۳ درصد دارای سواد خواندن و نوشتن، ۰/۷ درصد در سطح ابتدایی، ۲/۷ درصد در سطح راهنمایی، ۳۰/۷ درصد در سطح دیپلم، ۱۶/۷ درصد در سطح فوق دیپلم، ۴۴ درصد در سطح کارشناسی و فقط ۳/۲ درصد در سطح کارشناسی ارشد و بالاتر تحصیل کرده بودند. همچنین، در بین پاسخ‌گویان، ۶۱ نفر فاقد سابقه سکونت در روستا، بیست نفر بین یک تا ده سال، ۳۶ نفر بین یازده تا بیست سال، ۲۷ نفر بین ۲۱ تا سی سال، پنج نفر بین ۳۱ تا چهل سال و فقط یک نفر از آنها بالای ۴۱ سال سابقه سکونت در روستا را داشتند. همچنین، ۸۲ نفر فاقد سابقه کار کشاورزی، ۴۱ نفر بین یک تا ده سال، هجده نفر بین یازده تا بیست سال، هشت نفر بین ۲۱ تا سی سال و فقط یک نفر از آنها بالای ۳۱ سال سابقه کار کشاورزی داشتند. با توجه به اطلاعات جمع‌آوری شده، ۶۶ درصد از پاسخ‌گویان، تمایل داشتند که در بخش کشاورزی به عنوان شغل دوم فعالیت کنند و ۳۴ درصد چنین تمایلی نداشتند. در بررسی میزان استفاده از منابع اطلاعاتی، مشاهده شد که به ترتیب، تلویزیون، روزنامه و مجله در بالاترین رتبه‌ها و اینترنت در پایین‌ترین اولویت منابع کسب اطلاعات جای دارند.

رتبه‌بندی انگیزه‌های شهروندان برای مشارکت در کشاورزی اجتماع‌پشتیبان

با توجه به یافته‌های تحقیق، مشاهده می‌شود که «دسترسی به مواد غذایی سالم و بهداشتی‌تر»، «تضمین سلامت غذایی خانواده» و «دسترسی به مواد غذایی ارزان‌تر» در بالاترین رتبه‌ها و «حمایت از کشاورزی محلی»، «علاقه به یادگیری فعالیت‌های کشاورزی» و «علاقه ذاتی به انجام کار کشاورزی» در پایین‌ترین رتبه‌ها جای دارند.

انگیزه شهروندان برای مشارکت در کشاورزی اجتماع‌پشتیبان

بر اساس اطلاعات جدول ۲، ۲۴/۷ درصد از پاسخ‌گویان انگیزه پایین، ۴۲ درصد انگیزه متوسط، و ۳۳/۳ درصد انگیزه بالا برای مشارکت در کشاورزی اجتماع‌پشتیبان داشتند.

جدول ۲- توزیع فراوانی پاسخ‌گویان از نظر سطح انگیزه مشارکت در کشاورزی اجتماع‌پشتیبان

سطح انگیزه	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
پایین	۳۷	۲۴/۷	۲۴/۷
متوسط	۶۳	۴۲/۰	۶۶/۷
بالا	۵۰	۳۳/۳	۱۰۰/۰
جمع کل	۱۵۰	۱۰۰	

منبع: یافته‌های پژوهش

رتبه‌بندی وظایف دولت در جلب مشارکت طرفین قرارداد در کشاورزی اجتماع‌پشتیبان از دیدگاه شهروندان

در بررسی اقداماتی که دولت می‌تواند برای کمک به جلب همکاری بین شهروندان و کشاورزان انجام دهد، از دید شهروندان، بیشترین فراوانی‌ها مربوط به «ایجاد محیطی مناسب برای ارتباط و همکاری بین طرفین»، «اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌ها» و «قرار دادن تسهیلات و امکانات در اختیار کشاورزان» است؛ و اما کمترین فراوانی‌ها مربوط به «برطرف کردن عیوب موجود در نظام‌های اداری (دیوان‌سالاری)» و «حمایت از بخش فرآوری و صادرات محصولات کشاورزی» و «تهیه قانون مصوب برای این رویکرد» است.

تحلیل همبستگی متغیرهای تصادفی منتخب با میزان انگیزه شهروندان برای مشارکت در کشاورزی اجتماع‌پشتیبان

بر اساس یافته‌های تحقیق (جدول ۳)، رابطه متغیرهای سابقه سکونت در روستا، استفاده از منابع اطلاعاتی (روزنامه و مجله، کتاب، تلویزیون، رادیو، اینترنت)، زمینه‌های مورد علاقه شهروندان برای مشارکت در کشاورزی اجتماع‌پشتیبان، سرمایه اجتماعی، و میزان علاقه به کشاورزی با میزان انگیزه شهروندان برای مشارکت در کشاورزی اجتماع‌پشتیبان در سطح یک درصد مثبت و معنی‌دار است؛ همچنین، رابطه متغیر تمایل به سرمایه‌گذاری با میزان انگیزه شهروندان برای مشارکت در کشاورزی اجتماع‌پشتیبان در سطح پنج درصد مثبت و معنی‌دار است.

جدول ۳- همبستگی بین متغیرهای تصادفی منتخب و میزان انگیزه شهروندان برای مشارکت در کشاورزی اجتماع‌پشتیبان

متغیر	نوع ضریب همبستگی	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
سن	پیرسون	۰/۰۶۷	۰/۴۱۶
تعداد فرزندان	پیرسون	۰/۰۲۱	۰/۸۰۲
میزان درآمد ماهانه	پیرسون	۰/۰۱۸	۰/۸۲۸
سابقه سکونت در روستا	پیرسون	۰/۲۳۵ ^{**}	۰/۰۰۴
سابقه کار کشاورزی	پیرسون	۰/۱۵۷	۰/۰۵۶
تمایل به سرمایه‌گذاری	پیرسون	۰/۱۸۰ [*]	۰/۰۲۷
فاصله منزل تا مزرعه مورد قرارداد	پیرسون	۰/۰۵۶	۰/۴۹۵
میزان استفاده از منابع اطلاعاتی	پیرسون	۰/۲۲۹ ^{**}	۰/۰۰۵
زمینه‌های تمایل شهروندان برای مشارکت در کشاورزی اجتماع‌پشتیبان	پیرسون	۰/۶۲۷ ^{**}	۰/۰۰۰
سرمایه اجتماعی	پیرسون	۰/۷۸۲ ^{**}	۰/۰۰۰
وضعیت تحصیلی	اسپیرمن	۰/۱۲۶	۰/۱۲۴
میزان علاقه به کشاورزی	اسپیرمن	۰/۴۸۱ ^{**}	۰/۰۰۰

^{**} و ^{*} به ترتیب، سطح معنی‌داری یک درصد و پنج درصد
منبع: یافته‌های پژوهش

تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر میزان انگیزه شهروندان برای مشارکت در کشاورزی

اجتماع پشتیبان

برای به دست آوردن ضرایب مسیر، با توجه به مدل ترسیمی، متغیرهای مستقل در هر مرحله به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. در جدول ۴، نام متغیرها، اثرات متغیرها بر میزان انگیزه شهروندان برای مشارکت در کشاورزی اجتماع پشتیبان و اولویت هر کدام نشان داده شده است (اولویت بندی بر اساس مجموع اثرات صورت گرفته است). با توجه به نتایج جدول ۴، متغیر میزان تحصیلات دارای بیشترین اثر غیرمستقیم بر متغیر وابسته میزان انگیزه شهروندان برای مشارکت در کشاورزی اجتماع پشتیبان است؛ میزان سرمایه اجتماعی با مجموع اثرات ۰/۶۲۹ بیشترین تأثیر و متغیر میزان درآمد با مجموع اثرات ۰/۰۱۵- کمترین تأثیر را به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر میزان انگیزه داشته است.

بر اساس تحلیل مسیر، سطح سرمایه اجتماعی دارای بیشترین تأثیرگذاری بر انگیزه شهروندان برای مشارکت در کشاورزی اجتماع پشتیبان است. از آنجا که با توجه به ماهیت مشارکتی این رویکرد کشاورزی، ارتقای سطح سرمایه اجتماعی شامل اعتماد، احترام متقابل، شبکه سازی، کار گروهی و مشارکت پذیری بسیار حائز اهمیت است، به نظر می رسد در مراحل آغازین توسعه این رویکرد، اگر مشارکت افراد با سرمایه اجتماعی بالاتر جلب شود، احتمال موفقیت طرح بالاتر خواهد بود. بعد از سرمایه اجتماعی، علاقه به کشاورزی و تمایل به مشارکت در کشاورزی اجتماع پشتیبان دو عامل مهم در ایجاد انگیزه بوده اند. مقایسه این سه متغیر اساسی که بیشترین تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر انگیزه شهروندان برای مشارکت در طرح های کشاورزی اجتماع پشتیبان را دارند، با سایر متغیرها در الگوی نهایی حاکی از اهمیت بستر اجتماعی- روان شناختی برای توسعه این رویکرد است، در حالی که وجود بستر مناسب اقتصادی و زیر ساختی در گام ها و اولویت های بعدی قرار دارند. از این رو، آشنا کردن شهروندان با مزایای رویکرد کشاورزی اجتماع پشتیبان و جلب مشارکت آنها می تواند گامی بسیار مهم و اثرگذار در این زمینه باشد.

جدول ۴- نتایج حاصل از برآورد الگوی نهایی تحقیق با استفاده از تحلیل مسیر

اولویت	مجموع اثرات	اثر غیرمستقیم	اثر مستقیم	متغیر
۱	۰/۶۲۹	۰/۰۰۰۷	۰/۶۲۹	میزان سرمایه اجتماعی
۲	۰/۲۳۹	۰/۰۰۵	۰/۲۳۴	میزان علاقه به کشاورزی
۳	۰/۱۰۳	-	۰/۱۰۳	تمایل به مشارکت در کشاورزی اجتماع‌پشتیبان
۴	۰/۰۶۳	۰/۰۸۴	-۰/۰۲۱	میزان تحصیلات
۵	۰/۰۵۶	۰/۰۰۵	۰/۰۵۱	تمایل به سرمایه‌گذاری
۶	۰/۰۴۷	-۰/۰۰۳	۰/۰۵۰	فاصله منزل تا مزرعه مورد قرارداد
۷	۰/۰۱۴	۰/۰۸۵	-۰/۰۷۱	سابقه کار کشاورزی
۸	۰/۰۰۲	۰/۰۰۵	-۰/۰۰۳	سابقه سکونت در روستا
۹	-۰/۰۱۵	۰/۰۰۳	-۰/۰۱۸	میزان درآمد

منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

- مهم‌ترین انگیزه شهروندان برای مشارکت در طرح‌های کشاورزی اجتماع‌پشتیبان دسترسی به مواد غذایی سالم و بهداشتی و ارزان‌تر بود. با در نظر گرفتن این زمینه‌های روان‌شناختی، تسهیل‌گران و مروجان می‌توانند در برنامه‌های ترویجی بستر لازم برای تعاملات مناسب و کارآمد طرفین (کشاورزان، شهروندان) را فراهم کنند و با امکان تسهیم و به اشتراک گذاشتن منابع، هر دو گروه را به اهداف خود برسانند. بدیهی است انگیزه‌های شهروندان جزو اهداف اساسی و کلان بخش کشاورزی است.

- با توجه به نتایج حاصل از تحلیل همبستگی، بین انگیزه و تمایل شهروندان به کشاورزی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود داشت؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود که با توجه به تمایل زیاد شهروندان به مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی، تمهیدات لازم برای مشارکت بیشتر آنها و نیز پیشرفت در این بخش فراهم شود.
- در نظر گرفتن نهاده‌های تشویقی و بسترسازی فرهنگی، اقتصادی و قانونی از دیگر اموری است که دولت (وزارت جهاد کشاورزی) باید بدان توجه خاص داشته باشد؛ از این‌رو، پیشنهاد می‌شود که در اداره کل ترویج، دفتری برای معرفی و ترویج این شیوه کشاورزی پایدار شکل گیرد.
- با توجه به نتایج حاصل از تحلیل همبستگی، از آنجا که بین میزان استفاده از مجراهای ارتباطی توسط شهروندان و میزان انگیزه آنها برای مشارکت در کشاورزی اجتماع‌پشتیبان رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد، لازم به نظر می‌رسد که از طریق رسانه‌ها و دوره‌های آموزشی تبلیغات گسترده در زمینه این طرح و فواید استفاده از محصولات ارگانیک انجام شود تا با زوایای این طرح آشنایی کامل داشته باشند.
- با توجه به معنی‌دار نشدن تفاوت سطح انگیزه شهروندان برای مشارکت در کشاورزی اجتماع‌پشتیبان در بین رده‌های تحصیلی مختلف، به نظر می‌رسد که خلأ آموزش در مورد بخش کشاورزی و نحوه تغذیه در آموزش رسمی کشور به شدت احساس می‌شود؛ بدین منظور، برای آگاه‌سازی افراد در مورد کشاورزی و نحوه تغذیه سالم، باید در سطوح برنامه‌ریزی آموزش رسمی کشور تمهیدات لازم اندیشیده شود.

یادداشت

1. Community Supported Agriculture (CSA)

منابع

کلانتری، خلیل (۱۳۸۵)، *پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی-اقتصادی*. تهران: نشر شریف.

- Brehm, J. M. and Eisenhauer, B. W. (2008), "Motivations for participating in community supported agriculture and their relationship with community attachment and social capital". *Southern Rural Sociology*, 23(1): 94-115.
- Brown, C. and Milller, S. (2008), "The impacts of market: a review of research on farmers' market and community supported agriculture". *American Journal of Agricultural Economics*, 90(5).
- Hinrichs, C. C. (2000), "Embeddedness and local food systems: notes on two types of direct agricultural market". *Journal of Rural Studies*, (3): 295-303.
- Cone, C. A. and Myhre. A. (2000), "Community-supported agriculture: a sustainable alternative to industrial agriculture?". *Human Organization* 59: 187-97.
- Cone, C. A. and Kakaliouras, A. (1995), "Community supported agriculture: building moral community or an alternative consumer choice". *Culture and Agriculture* 51/52: 28-31.
- Conner, D. S. (2003), Community Supported Agriculture Pricing and Promotion Strategies: Lessons from Two Ithaca, NY Area Farms .E. B. 2003-07. Ithaca, NY: Cornell University, Dept. of Applied Economics and Management.. Available on: <http://aem.cornell.edu/outreach/extensionpdf/eb0307.pdf>. Retrieved at: 07/10/2003.
- Cooley, J. P. and Lass, D. A. (1998), "Consumer Benefits from Community Supported Agriculture Membership". *Review of Agricultural Economics* 20: 227-237.
- Cooley, J. P. and Lass, D. A. (1997), "What's your share worth? Some comparisons of CSA share costs versus retail produce value". *CSA Farm Network*, Volume II. Stillwater, NY: Northeast Organic Farming Association. p. 16-19.

- Farnsworth, R. L.; Thompson, S. R. T.; Drury, K. A.; and Warner, R. E. (1996), "Community supported agriculture: filling a niche market". *Journal of Food Distribution Research*, 27(1), 90-98.
- Henderson, E. and Van En, R. (2007), *Sharing the Harvest: A Citizen's Guide to Community Supported Agriculture*. Chelsea Green Publishing.
- Kane, D. J. and Lohr, L. (1997), *Maximizing Shareholder Retention in Southeastern CSAs: A Step Toward Long-Term Stability*. Athens, GA: University of Georgia.
- Kolodinsky, J. M. and Pelch, L. L. (1997), "Factors influencing the decision to join a community supported agriculture (CSA) farm". *Journal of Sustainable Agriculture* 10:129-141.
- Lang, Brandon K. (2005), "Expanding our understanding of community supported agriculture (CSA): an examination of Member satisfaction". *Journal of Sustainable Agriculture*, 26(2): 61-79.
- Miles, A. and Brown, M. (2005), *Teaching Direct Marketing and Small Farm Viability: Resources for Instructors*. Center for Agro Ecology and Sustainable Food Systems, University of California, Santa Cruz.
- O'Hara, Sabine U. and Stagl, Sigrid (2001), "Global food markets and their local alternatives: a socio-ecological economic perspective". *Population and Environment: A Journal of Interdisciplinary Studies*, 22(6): 533-554.
- Oberholtzer, B. (2004), "Community supported agriculture in the Mid-Atlantic region: results of a shareholder survey and farmer interviews. Available on: <http://www.winrock.org/wallace/wallacecenter/documents/wc-CSAReport.pdf>
- Perez, J.; Allen, P.; and Brown, M. (2003), "Community supported agriculture on the central coast: the CSA member experience". Research Brief, Santa Cruz, CA: University of California, Center for Agroecology and Sustainable Food Systems. Available on:

<http://repositories.cdlib.org/cgi/viewcontent.cgi?article=1002&context=casfs>.

Retrieved at: 01/06/2003.

Stagl, S. (2002), "Local organic food markets: potentials and limitations for contributing to sustainable development". *Empirica*, 29: 145-162.

Thompson, Craig J. and Coskuner-Balli, Gocken (2007), "Enchanting ethical consumerism: the case of community supported agriculture". *Journal of Consumer Culture*, 7(3): 275-303.

UMass (University of Massachusetts) (2002), "Community supported agricultural, UMass extension vegetable program". Available on: <http://www.umassvegetable.org/food-farming-systems>.